

## مخاطب مداری، رویکرد روش تفسیر عصری

روش تفسیر در هر دوره مرهون دو عامل اساسی است: ۱. تلاشهای گذشتگان ۲. شرایط و فضای اجتماعی حاکم در هر عصر.

۱. تمام دوره‌های تاریخ تفسیر از نتیجه عملکرد دوره‌های گذشته تاثیر یافته است، حتی صحابه نیز از گفتگو با پیامبر صلی الله علیه وآله به نتایج تفسیری رسیده‌اند، هرچند نتیجه عملکرد معنادار مفسران صحابه را هم نمی‌توان به پای خود آنان نوشت، بلکه حاصل نگاه معلم اول و تبیین اوست. از این رو در این دوره جز توضیحی مختصر - آن هم نه در حق همه آیات، بلکه آیاتی که مورد سوال بود - تفسیری ارائه نشده است، یعنی صحابه همزمان با نزول آیات، تفسیر آن را از پیامبر دریافت کرده و به تبیین آن برای دیگران می‌پرداختند؛ اما نمی‌توان حاصل کار آنان را نتیجه تفکر، تدبیر و نظریه پردازی مفسران صحابه دانست.

پس از رحلت پیامبر نیز این روند ادامه یافت و مرجع مردم برای تفسیر آیات و تبیین احکام صحابه بودند. از این رو می‌توان گفت در دوره نزول، مفسری غیر از رسول خدا صلی الله علیه وآله نداریم و مفسران صحابه را می‌توان شاگردان مفسر اول برشمرد. کسانی که پا به پای وحی، همراه با پیامبر به پیش آمدند و همزمان با حوادث و نزول آیاتی درباره آن، بین معانی آیات با حوادث زمان، مطابقت ایجاد کردند و حاصل این مطابقت را به عنوان تفسیر در اختیار مخاطبان نهادند. در این میان همه از درک یکسان و روش هماهنگ نصیب نداشتند، بلکه آنهایی که نزد پیامبر بدون واسطه، روش تفسیر آیات را آموزش دیدند با عده‌ای که حافظان

آیات بودند یا گروهی که صرفاً قاری بودند و دیگران، حلقه متصل بین پیامبر و تابعان به شمار آمدند که فی الواقع می‌توان این گروه را مفسر به معنای امروز دانست؛ چه اینکه تا این زمان (عصر صحابه) نظریه تفسیری خاصی از آنان گزارش نشده است. در این میان افرادی چون امیرالمومنین علی علیه السلام که آگاه به تمام علوم قرآن و تبیین آن بود با سایر صحابه در یک سطح نبودند. ایشان همان دیدگاه را ارائه می‌کرد که پیامبر بیان می‌فرمود. چنانکه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله مقتدای صحابه در تفسیر، ایشان بودند نه حتی خلفای سه گانه؛ چون همه روایات تفسیری که در کتب معتبر شیعه و سنی به ثبت رسیده از علی علیه السلام است و چنانکه سیوطی معتقد است از خلفای سه گانه روایت تفسیری چشمگیری گزارش نشده است.

۲. فضای اجتماعی حاکم بر جامعه هم ظرفیت پذیرش تبیینی غیر از توضیح رسول خدا را نداشت. خداوند در آیات قرآن، مردم را به جایگاه رفیع شخص نبی و مقام تبیین‌گری او توجه داده بود: ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (حشر: ۷) از این رو صحابه در دست زدن به تفسیر، آزادی عمل نداشتند، حتی اگر در برخی موارد به استنباطات صحابه از طریق شعر جاهلی دست می‌یابیم هم مربوط به دوران پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله است؛ رفته رفته پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام، قرآن صرفاً از دستورالعمل زمان به عنوان متنی خاص که هم دستورالعمل ارائه می‌داد و هم حرفهای دیگر برای گفتن داشت، برای مفسران موضوعیت پیدا کرد. از این رو شاید بتوان گفت پیروان، پس از رحلت پیامبر اهتمام ویژه‌تری به قرآن نشان دادند و خلأ وجود مفسران واقعی قرآن بیشتر از پیش برای مسلمانان مطرح شد. پس، طبیعی است که هرچه از عصر پیامبر دورتر شویم تفسیر، جایگاه تازه‌تری به دست آورد و اهتمام به تفسیر و نظریه پردازی درباره آن بیشتر احساس شود. در نتیجه، تعداد نظریات تفسیری معاصر با عصر صحابه مقایسه شدنی نیست و این مزیت این روزگار است.

در این دوره مخاطبان قرآن (نیازمندان به تفسیر) بیش از گذشته برای مفسران مهم انگاشته شدند. به گونه‌ای که در بسیاری موارد، هدف واقعی از تفسیر نگاری به دست دادن مفهومی از آیات، متناسب با دوره و فضایی است که مخاطب امروز در آن زیست می‌کند. هدف در این نوع تفسیر، تطبیق شرایط، مشکلات و اموری است که اساساً مردم جامعه با آن سروکار دارند. از این رو شاید بتوان این دوره را دوره «مخاطب مداری تفسیر» نام نهاد.

در این نوع از تفسیر همانطور که مردم عصر نزول بازتاب شرایط و مشکلات و... خود را از قرآن دریافت می‌کردند و گاه قرآن به انگیزه پاسخ به سوالات آنها آیه‌ای تقدیم می‌کرد، مردم عصر حضور نیز به یاری مفسران امروز، خود را در فضای نزول دیروز حاضر می‌بینند و پاسخ سوالات خود را به مدد تفسیر از ناحیه عالمانی که با شرایط و روش تفسیر آشنایی دارند دریافت می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد، امروز بیش از گذشته بین متن و مخاطب ارتباط برقرار شده و این همه به مدد نظریاتی است که مفسران درباره تفسیر قرآن ارائه داده‌اند.

نتیجه اینکه فضای زندگی مفسر و جهانی که او و مردم عصرش در آن زندگی می‌کنند، مبدع روش تفسیری جدیدی شد به نام «روش تفسیر عصری». این شیوه در مقایسه با روش‌های گذشته، خصوصاً تفسیر در اعصار نخستین، بیشترین نظریه پردازی‌ها را به خود اختصاص داده است. این روش حاوی نظریه‌هایی است که تقریباً تمام آنها بر مدار «مخاطب حاضر» شکل می‌گیرد.

زهره شریعت ناصری

زمستان ۱۳۹۳